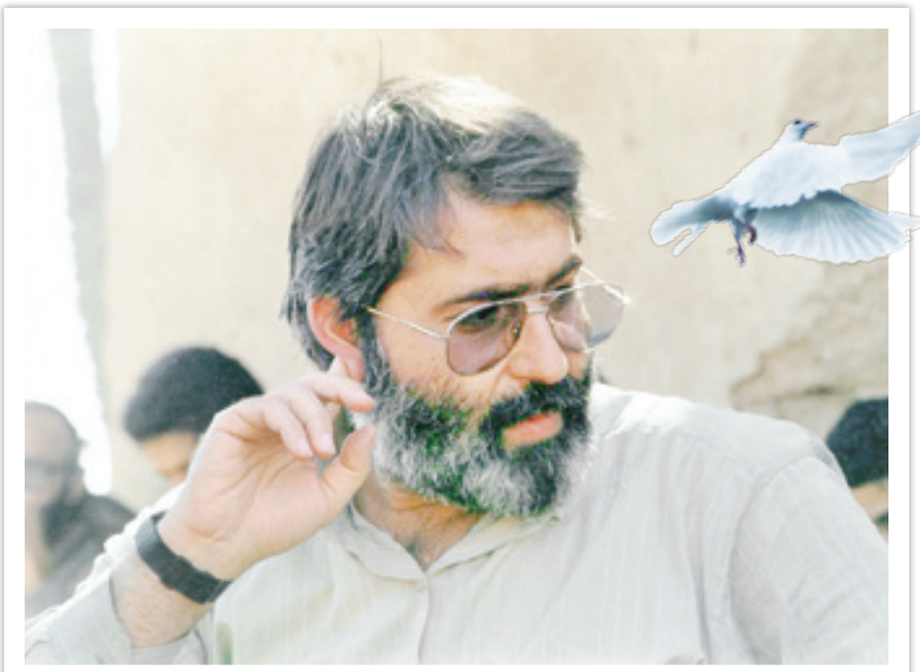

آوینی از نگاه آوینی

انقلاب آوینی را هم منقلب کرد

■ علیرضا محمدی

«من از یک راه طی شده با شما حرف می‌زنم» برای شناخت شهیدسیدمرتضی آوینی بهترین کار مراجعه به زندگینامه خود نوشت اوست؛ هرچند مختصر، اما بی‌پرده خود و گذشته‌اش را معرفی می‌کند. چند سال قبل که یکی از روزنامه‌نگاران مقیم لندن در یک برنامه تلویزیونی سعی کرد به قول خودش مطالبی را از گذشته آوینی فاش کند، شاید فراموش کرده بود که خود آقاسید سال‌ها قبل‌تر از او و امثالش، خودش را معرفی کرده بودند.

■■■

«من از یک راه طی شده با شما حرف می‌زنم» این جمله شهید آوینی شروعی بر معرفی بخشی از زندگانی اوست که نگاه غالباً کلیشه‌ای به شهدا باعث شده کمتر به آن توجه کنیم. سیدمرتضی پس از این جمله معروف می‌نویسد: «من هم سال‌ها با جلوه‌فروشی و تظاهر به دانایی بسیار زیسته‌ام. ریش پروفسوری و سبیل نیچه‌ای گذاشته‌ام و کتاب «انسان تک ساحتی» هربرت مارکوز را - بی‌آنکه آن زمان خوانده باشمش- طوری دست گرفته‌ام که دیگران جلد آن را ببینند و پیش خودشان بگویند «عجب فلانی چه کتاب‌هایی می‌خواند، معلوم است که خیلی می‌فهمد.»

بعدها مسیر زندگی، شهید آوینی را به راهی می‌کشاند که رودربایستی را اول با خودش و سپس با دیگران کنار می‌گذارد و به خودش می‌قبولاند که «تظاهر به دانایی هرگز جایگزین دانایی نمی‌شود» انقلاب درونی با همین تفکرات در وجود او شکل می‌گیرد و بعد همان جریانی که باعث شد، ملت ایران از پس از قرن‌ها خاموشی آنچنان تکان بخورد که طومار تاریخ ۲ هزار و ۵۰۰ ساله شاهنشاهی را درهم بپیچند؛ آوینی را هم تکان می‌دهد.

وی چیزهایی را یاد می‌گیرد که به رغم داشتن فوق‌لیسانس معماری از دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران، در هیچ دانشگاهی تدریس نمی‌شدند. او می‌گوید:«حقیر هرچه آموخته‌ام از خارج دانشگاه است. بنده با یقین کامل می‌گویم که تخصص حقیقی در سایه تعهد اسلامی به دست می‌آید و لاغیر. قبل از انقلاب بنده فیلم نمی‌ساختم، اگرچه با سینما آشنایی داشتم. اشتغال اساسی حقیر قبل از انقلاب در ادبیات بوده است. اگر چه چیزی - اعم از کتاب یا مقاله - به چاپ نرسانده‌ام. با شروع انقلاب حقیر تمام نوشته‌های خویش را اعم از تراوشات فلسفی، داستان‌های کوتاه، اشعار و... در چند گونی ریختم و سوزاندم و تصمیم گرفتم دیگر چیزی که «حدیث نفس» باشد، ننویسم و از خودم سخنی به میان نیاورم. هنر امروز متأسفانه حدیث نفس است و هنرمندان گرفتار خودشان هستند.»

> خیلی از ما هنوز در خاطرمان نریش‌هایی را به یاد داریم که با صدای ملکوتی سیدمرتضی، هوایی‌مان می‌کرد! حرف‌هایش از دل برمی‌خواست و بر دل‌ها می‌نشست. آقای مستندساز خودش همراه رزمنده‌ها به خط مقدم می‌رفت و حقیقت را جست‌وجو می‌کرد

انقلاب آوینی را هم منقلب می‌کند. همراه جهادسازندگی به روستاهای دورافتاده می‌رود تا برای خدا بیل بزند! اما «ضرورت‌های موجود رفته‌رفته ما را به فیلم‌سازی برای جهاد سازندگی کشاند. در سال ۵۹ به عنوان نمایندگان جهاد سازندگی به تلویزیون آمدیم.»

آوینی از همین‌جا تبدیل به همان آوینی می‌شود که ما مردم می‌شناسیم. او چه گذشته‌ای داشت یا بعدها درگیر چه مسائلی در صداوسیما و حتی با برخی دوستان متعصبش شد؛ آوینی با زاویه دیدی که در مستندهایش داشت، تبدیل به همان سید شهیدان اهل قلمی شد که حالا نوشته‌هایش بخشی از فرهنگ دفاع مقدس شده‌اند.

خیلی از ما هنوز در خاطرمان نریش‌هایی را به یاد داریم که با صدای ملکوتی سیدمرتضی، هوایی‌مان می‌کرد! حرف‌هایش از دل برمی‌خواست و بر دل‌ها می‌نشست. آقای مستندساز خودش همراه رزمنده‌ها به خط مقدم می‌رفت و حقیقت را جست‌وجو می‌کرد: «یک هفته‌ای نگذشته بود که خرمشهر سقوط کرد و ما در جست‌وجوی «حقیقت» ماجرا به آبادان رفتیم که سخت در محاصره بود. تولید مجموعه حقیقت اینگونه آغاز شد.»

شهید آوینی بعد از پایان جنگ تحمیلی راهی را که انتخاب کرده بود، ادامه داد. اواخر سال ۱۳۷۰ «مؤسسه فرهنگی روایت فتح» به فرمان مقام معظم رهبری تأسیس شد تا به کار فیلم‌سازی مستند و سینمایی درباره‌ی دفاع مقدس بپردازد و تهیه مجموعه روایت فتح را که بعد از پذیرش قطعنامه رها شده بود، ادامه دهد. شهید آوینی و گروه فیلمبرداران روایت فتح سفر به مناطق جنگی را از سر گرفتند و طی مدتی کم‌تر از یک سال کار تهیه شش برنامه از مجموعه ۱۰ قسمتی «شهری در آسمان» را به پایان رساندند. این مجموعه در ماه‌های آخر حیات زمینی شهیدآوینی از تلویزیون پخش شد، اما برنامه او برای تکمیل این مجموعه و ساختن مجموعه‌های دیگر با شهادتش در روز جمعه ۲۰فروردین ۱۳۷۲ در قتلگاه فکه ناتمام ماند.

«مکه برای شما، فکه برای ما، بالی نمی‌خواهم، با همین پوتین‌های کهنه‌ام می‌توانم به آسمان بروم.»

نگاه

فکه مشهد آوینی و هزاران شهید دیگر

رمل‌هایی سرخ به رنگ خون شهدا

■ غلامحسین بهبودی

یادمان فکه در شمال خوزستان و جنوب ایلام یکی از یادمان‌های مهم دفاع مقدس است که از زیارتگاه‌های اصلی کاروان‌های راهیان‌نور به شمار می‌رود. به مناسبت سالروز شهادت سیدمرتضی آوینی که در ۲۰ فروردین ۱۳۷۲ در فکه بر اثر انفجار مین آسمانی شد، نگاهی به منطقه فکه و عملیات رخ داده در آن می‌اندازیم.

■■■

سال‌ها پیش که به عنوان زائر به مناطق عملیاتی جنوب کشور رفته بودم، کاروان ما را به محل شهادت آوینی در فکه بردند. منطقه کاملاً رملی است که به شن روان نیز موسوم هستند. البته این شن‌ها با آن چیزی که در سواحل دریاها می‌بینیم، تفاوت دارد. دانه‌های رمل کمی بزرگ‌تر از دانه‌های شن است و زیر پا سر می‌خورند. همین موضوع باعث می‌شد تا منطقه برای استفاده خودروهای زرهی نیز دشوار باشد، چه برسد به نیروهای پیاده که در صورت نداشتن امکانات لازم، همانند پوتین‌های مناسب برای راهپیمایی در مناطق بیابانی با سختی‌های زیادی روبه‌رو شوند.

در همان یادمان شهدای فکه با رزمندگانی هم‌صحبت شدم که سابقه حضور در این منطقه را داشتند. آنها که اغلب از نیروهای بسیجی و داوطلب دفاع مقدس بودند، خاطراتی از مواجهه با کماندوهای سودانی مزدور ارتش بعث تعریف می‌کردند که با پوتین‌های مخصوص به راحتی در این رمل‌ها حرکت می‌کردند، در حالی که برخی از نیروهای خودی با کفش‌های کتانی و پاپوش‌های نامناسب به سختی در رمل‌های فکه جابه‌جا می‌شدند.

> در یادمان فکه با رزمندگانی صحبت کردم که سابقه حضور در این منطقه را داشتند. آنها خاطراتی از مواجهه با کماندوهای سودانی مزدور ارتش بعث تعریف می‌کردند که با پوتین‌های مخصوص به راحتی در این رمل‌ها حرکت می‌کردند

منطقه فکه در دفاع مقدس تاریخچه‌ای از عملیات مختلف را در خود دارد. در شروع دفاع مقدس، لشکر یک مکانیزه دشمن از این منطقه وارد شد و به سمت شوش حرکت کرد. شوش در شمال استان خوزستان، گلوگاه آن نیز به شمار می‌رود. یکی از محورهای اصلی هجوم ارتش بعث، حمله به این گلوگاه و قطع راه‌های ارتباطی استان خوزستان با مرکز کشور بود که البته در این امر موفق نشد.

پس از هجوم اولیه دشمن، فکه تا مدتی در دست نیروهای بعثی قرار داشت. حتی وقتی که عملیات فتح‌المبین در دوم فروردین ۱۳۶۱ در شمال خوزستان انجام گرفت و ۲۵۰۰کیلومتر از خاک کشورمان را آزاد کرد، فکه همچنان در دست دشمن باقی ماند، اما پس از عملیات الی‌بیت‌المقدس و عقب‌نشینی سراسری دشمن و همچنین انجام چند عملیات کوچک، بخشی از فکه نیز آزاد شد و زمینه برای انجام عملیات بزرگ والفجر مقدماتی فراهم شد.

عملیات والفجر مقدماتی یکی از بزرگ‌ترین وقایعی است که در طول دفاع مقدس در فکه رخ داد. این عملیات در زمستان سال ۶۱ بر آن بود تا العماره در حد فاصل بغداد به بصره را به تصرف نیروهای خودی درآورد، اما عملیات لو رفت و با عدم‌الفتح روبه‌رو شد. با عقب‌نشینی نیروهای خودی از مناطقی که در مرحله اول عملیات به آن رسوخ کرده بودند، پیکر تعداد زیادی از شهدا در منطقه ماند و به این ترتیب والفجر مقدماتی به مشهد شهدای گمنام نیز معروف شد، اما یکی از شهدای گمنام نام‌آور این عملیات شهید ابراهیم هادی است که به عنوان نیروی اطلاعات- عملیات در جمع نیروهای گردان‌های کمیل و حنظله به شهادت رسید و پیکرش مفقود ماند.

بهار سال ۶۲ ایران دومین عملیات بزرگ خود در فکه را با عنوان والفجر ۱ با ابتکار عمل شهید صیاد شیرازی انجام داد، اما این عملیات خونین نیز موفقیت‌آمیز نبود. در پایان دفاع مقدس باز فکه محل تک نیروهای دشمن بود و نهایتاً صدها و بلکه هزاران شهید در رمل‌های این منطقه به خون غلتیدند. فکه پس از اتمام دفاع مقدس نیز به دلیل آنکه مین‌ها با روان شدن رمل‌های منطقه جابه‌جا می‌شدند، هرگز به صورت کامل پاکسازی نشد و شهادت سیدمرتضی آوینی در سال ۷۲ در همین منطقه نیز یکی از حوادثی است که در پی وجود مین‌ها رخ داد.

معرفی کتاب

نگاهی به کتاب گنجینه آسمانی (گفتارهای شهید آوینی در مجموعه مستندهای روایت فتح)

زندگی زیباست، اما شهادت از آن زیباتر است

■ زهرا محمدزاده

«گنجینه آسمانی» عنوان مجموعه گفتار متن (نریش) فیلم‌های روایت فتح است که شهید آوینی در آن سخن گفته است. این مجموعه برای اولین بار در اوایل دهه ۸۰ از سوی مؤسسه روایت فتح پیاده شده و به صورت یک کتاب تحت عنوان گنجینه آسمانی در سال ۱۳۸۱ منتشر شد؛ با هم نگاهی به داشته‌های آن می‌اندازیم.

■■■

پخش مستند روایت فتح از بهار سال ۱۳۶۵ آغاز شد. زمستان سال ۶۴ عملیات والفجر ۸ در اروندرود اجرا شد و مجموعه مستندهای شهیدآوینی و گروهش از همین عملیات به صورت مستمر تاریخ جنگ را از زاویه دید دوربین‌شان به نظاره نشستند و به ثبت رساندند. بعد از پایان دفاع‌مقدس و وقفه‌ای حدوداً سه ساله، مجدداً مجموعه روایت فتح از اوایل سال ۱۳۷۱ آغاز به کار کرد و «شهری در آسمان» مستند دیگری بود که گروه روایت فتح ساخت و آوینی در آنها نوشت و صحبت کرد.

«شب عاشورایی» اولین بخش از کتاب گنجینه آسمانی است که به وقایع عملیات والفجر ۸ می‌پردازد. قصد سازندگان این مستند روایت جزءبه‌جزء روند عملیات نیست. نگاه آوینی یک نگاه انسان‌محور است و توجه او به آدم‌های جنگ در تمام مستندهایی که به دفاع مقدس اختصاص داده، دیده می‌شود. «این نخلستان‌ها (حاشیه اروند) مرکز جهان است، چراکه بهترین بندگان خدا، یعنی بنده‌ترین بندگان خدا در اینجا گرد آمده‌اند تا بر صف کفر بتازند و بند از اسرای شب برگیرند و آیینه فطرت‌ها را از تیرگی گناه بزدایند و کاری کنند تا جهان بار دیگر اهلیت ولایت نور را پیدا کند.» شهید آوینی مستندسازی بود که خود به دل آتش جنگ می‌رفت و از نزدیک‌ترین مواضع، رزم رزمندگان را مشاهده می‌کرد و با دوربینش به ثبت می‌رساند. او و تیم همراهش در ماجرای عملیات والفجر ۸ از شب حمله گرفته تا دفع پاتک‌های دشمن که یکی از سخت‌ترین پاتک‌ها در طول دفاع مقدس بود، حضور پیدا می‌کنند و صحنه‌های نابی را به ثبت می‌رسانند. گردآورندگان کتاب جز پانوشت‌هایی که برای توضیح برخی از اسامی و اصطلاحات آورده‌اند، چیزی به متن کتاب اضافه نکرده‌اند. «گنجینه آسمانی» تماماً صحبت‌های شهیدآوینی است که با دقت به آنها، عمق اعتقاد و التزام نویسنده این متن‌ها به مقوله‌ای به نام «دفاع مقدس» را درک می‌کنیم. او خود یکی از آدم‌های جنگ است که حالا به حکم وظیفه سعی دارد از زاویه دوربین یک مستندساز، به آدم‌های جنگ نگاه کند. شاید به همین خاطر باشد که بهتر از هر مستندساز دیگری، آدم‌های جنگ را درک می‌کند و آنها را به مدد قلم و دوربین به تصویر می‌کشد. «اسوه حزب‌الله، ابوالفضل العباس (ع) است و درس وفاداری را از او آموخته‌اند. وقتی با این جوانان سخن از عباس می‌گویی، در دل خود جراحتی هزار و چند صد ساله را باز می‌یابند که هنوز به خون تازه آغشته است؛ جراحت کربلا را می‌گویم.»

> مجموعه مستندهای روایت فتح پس از پایان دفاع مقدس نیز ادامه می‌یابد و اینبار آوینی سری جدید مستندهای خود را از جایی شروع می‌کند که در زمان جنگ نیز از همان جا کارش را آغاز کرده بود. او به خرمشهر می‌رود

مجموعه مستندهای روایت فتح پس از پایان دفاع مقدس نیز ادامه می‌یابد و اینبار آوینی سری جدید مستندهای خود را از جایی شروع می‌کند که در زمان جنگ نیز از همانجا کارش را آغاز کرده بود. او به خرمشهر می‌رود، همان شهری که در شروع دفاع مقدس دوربینش را برداشت و به آنجا رفت.

کتاب «گنجینه آسمانی» شرح دغدغه‌های مستندسازی است که حال و هوا و احساس خود در مورد جنگ و انسان‌های حاضر در آن را در قالب نریش‌هایی ماندگار کرده است. چون آوینی همان آوینی دوران دفاع مقدس است، متن‌هایی که برای مستندهای پس از جنگ نیز نوشته نیز همان حال و هوا را دارند. خواندن این متن‌ها در هر زمان و هر مکانی که باشد، خواننده را به روزهای آتش و خون می‌کشاند.

«خرمشهر شقایقی خون‌رنگ است که داغ جنگ بر سینه دارد... داغ شهادت. ویرانه‌های شهر را قفسی درهم‌شکسته بدان که راه به آزادی پرندگان روح گشوده است تا بال در فضای شهر آسمانی خرمشهر باز کنند. زندگی زیباست، اما شهادت از آن زیباتر است.»

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۶۴۵۶

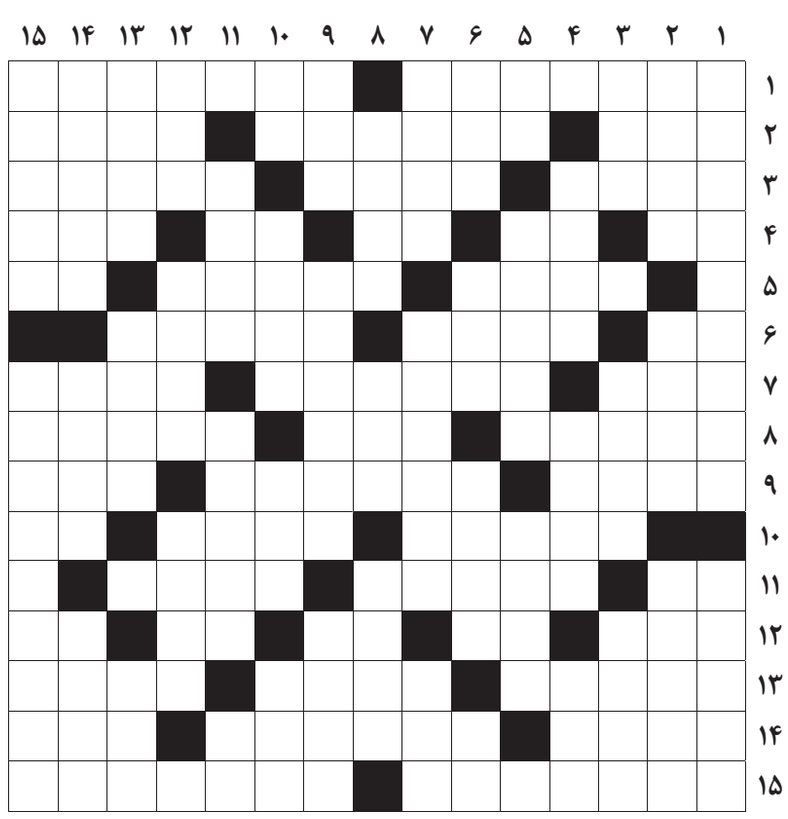

از راست به چپ

■ ۱- کشوری اروپایی که مرکز آن لیوبلیانا است- امپراتور ظالم معاصر اصحاب کهف ■ ۲- یک حرف و سه حرف- درخت سپیدار- مجموعه اعداد میان دو عدد فرضی ■ ۳- از ارکان نماز- معادل سی و شش اینچ- مجبور کردن ■ ۴- اسب تبریزی- لخت- شهر آرامگاه پروین اعتصامی- مادر لر- کارزار ■ ۵- ساق دست- پیامبری- پیش‌درآمد بسیاری از بیماری‌هاست ■ ۶- حرف فاصله- تبرئه شده- نبرد ■ ۷- پرچم- کنایه از دوست موافق و وفادار- نوعی غذای ایرانی ■ ۸- مقیاس وزن معادل ۳۰۰ کیلو- رها و آزاد- کتاب ابوعلی‌سینا ■ ۹- پدر عمار- برابر و همسنگ- عدد مجهول بین سه تا نه ■ ۱۰- از شهرهای گیلان- دورویی- عدد آبادی ■ ۱۱- تکرار حرفی- لیست- شال ■ ۱۲- قطعی برای سکه- زهر- پدر بزرگ- تیر پیکاندار- داخل ■ ۱۳- زگیل- سوره رایزنی- خدای هندو ■ ۱۴- سخندان- خانوادگی- حرف سر به مهر ■ ۱۵- لقب حضرت نوح- پایتخت گینه

از بالا به پایین

■ ۱- عصبانیت و ناراحتی- نگهبان کشتزار ■ ۲- پایگاه اینترنتی- قلعه و حصار- از خداجوییم توفیق ادب/... محروم شد از لطف رب ■ ۳- پول بلغار- تیم فوتبالی در فرانسه- پدیدار ■ ۴- مسلک- کالا- بیماری مسری خطرناک ■ ۵- پوستین وارونه- تفسیر و معنی خواب را گفتن- پرتابی در ورزش دوومیدانی ■ ۶- رسول- زنگ- منافذ روی پوست- تکرارش دهان‌سوز است ■ ۷- زین و برگ اسب- کشوری در همسایگی دریای احمر- سلطان ■ ۸- امید و چشمداشت- گزافه‌گویی- حمله ■ ۹- سارق- نام قدیم اصفهان- مسکوک طلا در دورهٔ هخامنشی ■ ۱۰- از مبطلات روزه- برقرار و آباد- بخیل و خسیس- میوه تلفنی ■ ۱۱- سبزی خوراکی خودرو- هم پرنده و هم جزیره‌ای است- پول ژاپن ■ ۱۲- خودداری کردن- پول بنگلادش- غلام حضرت علی(ع) ■ ۱۳- پشیمان- خدایا- میدانی در تهران ■ ۱۴- صدارت- لوله گیاهی- از یاران امام علی ■ ۱۵- فرزند رستم- مهربانی کردن با ضعفا و زیردستان

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

	۵					۹	۷	
	۳							
			۷		۵		۴	
					۹		۸	۶
۳						۲	۹	
۶					۴	۳		
۲		۴		۹				
		۸		۱	۶			
				۸				۵

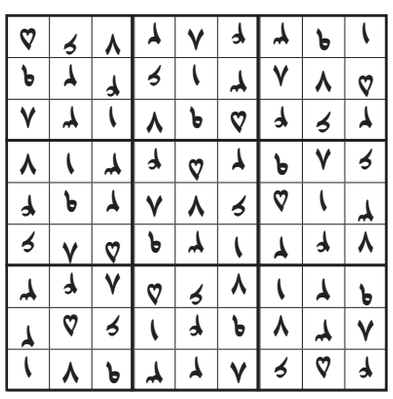

جدول کلمات متقاطع
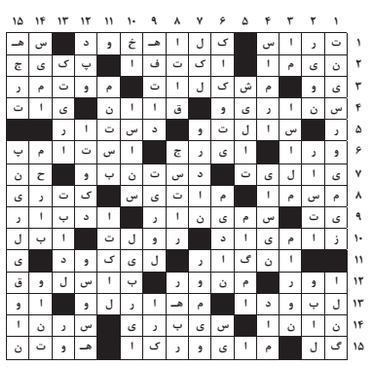
پاسخ جدول شماره ۶۴۵۵